



ابعاد امنیتی و اقتصادی روابط راهبردی ایران و چین در شرایط تحریم

یوسف محمودی^۱

حسین شیخ زاده^۲

شیوا جلال پور^۳

چکیده

تحولات نظام بین الملل در دهه های اخیر و تشدید رقابت قدرت های بزرگ، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به بازتعریف جهت گیری های راهبردی سوق داده است. در واکنش به تحریم های اقتصادی غرب، سیاست «نگاه به شرق» با تمرکز بر تعمیق روابط با چین تقویت شده است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل ابعاد امنیتی و راهبردی روابط تجاری ایران و چین و تبیین نقش آن در کاهش آثار تحریم ها انجام شده است. روش تحقیق کیفی-تحلیلی با طراحی تلفیقی هم زمان است؛ بدین صورت که تحلیل موضوعی اسناد سیاستی و منابع علمی با تحلیل کمی روند تجارت دوجانبه در بازه ۲۰۱۰-۲۰۲۳ ادغام شده است. داده های کمی از پایگاه های بین المللی استخراج و با مدل میان یابی ترکیبی خطی-نمایی و اعتبارسنجی متقاطع تحلیل شده اند. یافته ها نشان می دهد گسترش همکاری های انرژی محور، به کارگیری سازوکارهای مالی غیردلاری و هم سویی ژئوپلیتیکی تهران و پکن، تاب آوری اقتصادی ایران را در برابر فشارهای تحریمی تقویت کرده است؛ بااین حال، وابستگی به صادرات خام، محدودیت تنوع تجاری و ضعف نظام پرداخت بین المللی همچنان چالش زا است. نتایج بیانگر آن است که تداوم سیاست نگاه به شرق، در صورت همراهی با اصلاحات ساختاری و دیپلماسی اقتصادی فعال، می تواند به تقویت امنیت اقتصادی و استقلال راهبردی ایران منجر شود.

واژگان کلیدی: روابط راهبردی ایران و چین، امنیت اقتصادی، تحریم های بین المللی،

ژئواقتصاد، سیاست نگاه به شرق

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران
(usef.mahmoodi@iau.ac.ir)

۲. نویسنده مسئول: دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (sheikhzade@khu.ac.ir)

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. (shivajalalpour2016@iau.ac.ir)

مقدمه

تحولات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی نظام بین الملل در دو دهه اخیر، ساختار قدرت جهانی را از وضعیت تک قطبی متکی بر ایالات متحده به سوی نظامی پیچیده تر و چند قطبی سوق داده است. در این گذار ساختاری، رقابت میان قدرت های بزرگ نه تنها در عرصه های نظامی و سیاسی، بلکه در حوزه های مالی، فناوریانه و تجاری نیز تشدید شده است. استفاده گسترده از ابزارهای اقتصادی نظیر تحریم های مالی، محدودیت های بانکی و کنترل زنجیره های تأمین نشان می دهد که اقتصاد بین الملل به یکی از اصلی ترین میدان های اعمال قدرت و مدیریت منازعات ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. در چنین شرایطی، مفهوم امنیت نیز از چارچوب صرفاً نظامی فراتر رفته و ابعاد اقتصادی و ژئواقتصادی آن اهمیت فزاینده ای یافته است (کریمی و رستگار، ۱۴۰۱: ۲۶). جمهوری اسلامی ایران طی سال های گذشته در معرض یکی از پیچیده ترین رژیم های تحریمی قرار گرفته است؛ رژیمی که علاوه بر صادرات نفت، دسترسی به شبکه های مالی جهانی، سرمایه گذاری خارجی و انتقال فناوری را نیز تحت تأثیر قرار داده است. استمرار این وضعیت، ضرورت بازتعریف راهبردهای دیپلماسی اقتصادی و تنوع بخشی به شرکای خارجی را به اولویتی راهبردی تبدیل کرده است. در این چارچوب، سیاست «نگاه به شرق» به عنوان یکی از جهت گیری های اصلی سیاست خارجی ایران در دهه اخیر مطرح شده و بر تعمیق روابط با قدرت های آسیایی، به ویژه چین، تأکید دارد (کوسه پور و دهقان، ۱۳۹۹: ۴۱). در میان بازیگران آسیایی، جمهوری خلق چین جایگاهی ممتاز یافته است. چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان و یکی از بازیگران اصلی در بازآرایی نظم اقتصادی جهانی، ظرفیت های گسترده ای در حوزه سرمایه گذاری، زیرساخت، فناوری و انرژی در اختیار دارد. امضای برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله میان ایران و چین در سال ۲۰۲۱، بیانگر ارتقای روابط دو کشور از سطح تعاملات اقتصادی به سطحی راهبردی تر است (Saleh & Yazdanshenas, 2023: 118). این توافق چارچوبی برای گسترش همکاری در حوزه های انرژی، حمل و نقل، زیرساخت های بندری و ترتیبات مالی فراهم کرده و امکان پیوند ایران با شبکه های جدید تجارت و سرمایه گذاری آسیایی را تقویت کرده است. از منظر نظری، روابط ایران و چین را می توان در چارچوب نظریه «وابستگی متقابل پیچیده» تحلیل کرد؛ نظریه ای که بر هم پیوندی اقتصادی میان

بازیگران بدون الزام به اتحاد رسمی سیاسی تأکید دارد (61: Ehteshami & Horesh, 2020). در این چارچوب، افزایش تعاملات اقتصادی می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری متقابل و مدیریت تعارض منجر شود. هم‌زمان، رویکردهای واقع‌گرایانه به سیاست بین‌الملل نشان می‌دهند که دولت‌ها در بستر رقابت قدرت‌ها، از ابزارهای اقتصادی برای تقویت موقعیت راهبردی خود بهره می‌گیرند. در نتیجه، همکاری‌های ژئواقتصادی می‌توانند نقشی دوگانه ایفا کنند: هم به عنوان محرک توسعه اقتصادی و هم به عنوان سازوکاری برای تقویت امنیت ملی. در سطح عملی، همکاری‌های ایران و چین طی سال‌های اخیر از حوزه انرژی فراتر رفته و در بخش‌های زیرساختی، مخابراتی و لجستیکی نیز گسترش یافته است (Shariatinia, 2023: 87). مشارکت در پروژه‌های بندری و توسعه مسیرهای ترانزیتی، به‌ویژه در چارچوب ابتکار «کمربند و جاده»، از نشانه‌های تعمیق پیوندهای ژئواقتصادی میان دو کشور است. با این حال، این روابط در بستری شکل می‌گیرند که همچنان تحت تأثیر محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های ثانویه ایالات متحده و ملاحظات راهبردی پکن در قبال سایر بازیگران منطقه‌ای قرار دارد (Lim, 2020: 64; Garlick & Havlová, 2020: 148).

در چنین شرایطی، روابط ایران و چین به یکی از محورهای اصلی بازتعریف جایگاه اقتصادی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در نظم در حال گذار بین‌المللی تبدیل شده است. تحلیل این روابط در بستر تحولات ژئوپلیتیکی معاصر مستلزم رویکردی است که پیوند میان اقتصاد، سیاست و امنیت را به صورت یکپارچه مورد توجه قرار دهد؛ از این رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با اتکا به چارچوبی تحلیلی، ابعاد امنیتی و ژئواقتصادی روابط ایران و چین را در بستر نظم تحریمی بررسی کند.

بیان مسئله و ضرورت پژوهش

تحولات ساختاری نظام بین‌الملل در دهه‌های اخیر، به‌ویژه تشدید رقابت قدرت‌های بزرگ و گسترش استفاده از ابزارهای اقتصادی در منازعات ژئوپلیتیکی، ماهیت تهدیدات امنیتی را دگرگون کرده است. در این چارچوب، تحریم‌های اقتصادی به یکی از مهم‌ترین ابزارهای اعمال فشار سیاسی. امنیتی تبدیل شده و جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های اخیر در معرض یکی از پیچیده‌ترین رژیم‌های تحریمی قرار گرفته است. این تحریم‌ها علاوه بر اقتصاد، بر ثبات مالی، زنجیره‌های تأمین و ظرفیت‌های راهبردی کشور اثر مستقیم بر

جای گذاشته‌اند. در مواجهه با این شرایط، سیاست «نگاه به شرق» و گسترش همکاری‌ها با قدرت‌های آسیایی، به‌ویژه جمهوری خلق چین، به‌عنوان یکی از راهبردهای اصلی سیاست خارجی ایران مطرح شده است. با این حال، مسئله اساسی آن است که آیا روابط ایران و چین صرفاً یک همکاری اقتصادی در سطح تجارت و سرمایه‌گذاری است، یا این روابط می‌توانند در چارچوب یک همکاری راهبردی، نقش فعالی در کاهش آسیب‌پذیری ایران در برابر سازوکارهای تحریمی ایفا کنند؟

مرور ادبیات نشان می‌دهد که بخش عمده پژوهش‌های موجود، روابط ایران و چین را از زاویه انرژی، ملاحظات ژئوپلیتیکی یا رقابت قدرت‌های بزرگ بررسی کرده‌اند. با این حال، پیوند علی میان همکاری راهبردی دو کشور و تقویت امنیت اقتصادی و تاب‌آوری راهبردی ایران در بستر نظم تحریمی، کمتر در قالب یک الگوی تحلیلی جامع مورد بررسی قرار گرفته است؛ به عبارت دیگر، هنوز روشن نیست که این همکاری‌ها از طریق چه سازوکارهای مالی، تجاری یا ژئواقتصادی می‌توانند بر امنیت ملی ایران اثر بگذارند و چه متغیرهای ساختاری یا نهادی می‌توانند این اثرگذاری را تقویت یا تضعیف کنند.

بر همین اساس، مسئله اصلی پژوهش تبیین سازوکارهای علی میان همکاری راهبردی ایران و چین و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران در شرایط تحریم است. این پژوهش می‌کوشد با ارائه یک چارچوب مفهومی منسجم، نشان دهد که چگونه تعاملات ژئواقتصادی، ترتیبات مالی غیردلاری و الگوهای تجاری جایگزین می‌توانند به تقویت امنیت اقتصادی و افزایش تاب‌آوری راهبردی ایران منجر شوند و درعین حال چه عواملی ممکن است دامنه این اثرگذاری را محدود سازند.

پیشینه پژوهش

بررسی روابط ایران و چین از منظر سیاست خارجی و امنیت اقتصادی در دو دهه اخیر، یکی از محورهای اصلی پژوهش‌های حوزه روابط بین‌الملل در ایران و منطقه بوده است. بیشتر مطالعات انجام‌شده را می‌توان در دو دسته عمده قرار داد: الف) پژوهش‌هایی که به جنبه‌های ژئوپلیتیکی و اقتصادی روابط ایران و چین پرداخته‌اند و b) پژوهش‌هایی که به سیاست نگاه به شرق به‌عنوان راهبرد کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران توجه کرده‌اند. با این حال، مرور نظام‌مند این ادبیات نشان می‌دهد که هنوز تحلیل جامعی که سه

بعد «امنیت اقتصادی»، «تحریم‌ها» و «روابط راهبردی ایران و چین» را به صورت هم زمان تبیین کند، کمتر صورت گرفته است.

در حوزه پژوهش‌های بین‌المللی، Saleh و Yazdanshenas (۲۰۲۳: ۱۱۸) در مقاله‌ای در مجله بریتانیایی مطالعات خاورمیانه، همکاری ایران و چین را به منزله بخشی از تلاش تهران برای ایجاد نظم چندقطبی در خلیج فارس تحلیل کرده‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که این روابط، بیش از آن که مبتنی بر اتحاد سیاسی باشد، جنبه ژئوپلیتیکی و موازنه‌گر در برابر هژمونی آمریکا دارد.

در همین راستا، Scita (۲۰۲۲: ۷۴) در مجله امور آسیایی به صورت مستند به بررسی روابط ایران و چین در بستر تحریم‌های ایالات متحده پرداخته و نشان داده است که الگوی تجارت میان دو کشور همواره تابع نوسانات سیاست‌های تحریمی غرب بوده است.

Grajewski (۲۰۲۳: ۹۶) نیز در مجله سیاست خاورمیانه، نقش سازمان همکاری شانگهای را در حفظ مشروعیت سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بررسی کرده و نتیجه گرفته است که عضویت ایران در این سازمان، بخشی از راهبرد بقا و مشروعیت بخشی ایران در دوران تحریم محسوب می‌شود.

از دیدگاه سیاست خارجی، Garlick و Havlová (۲۰۲۰: ۱۴۳) در مجله امور جاری چین با تمرکز بر دیپلماسی اقتصادی چین در خلیج فارس، استدلال می‌کنند که پکن سیاستی موازنه جویانه در پیش گرفته است؛ به این معنا که هم‌زمان با حفظ روابط با ایران، منافع خود را در برابر سایر بازیگران منطقه نیز متوازن می‌سازد. این یافته‌ها در کنار تحلیل Lim (۲۰۲۰: ۶۱) در مجله بقا که بر مفهوم «توازن سازی نرم» ایران تأکید دارد، نشان می‌دهد همکاری تهران با پکن بیشتر از جنس «هم‌پوشانی منافع» است تا اتحاد رسمی.

Horesh و Ehteshami (۲۰۲۰: ۵۲) نیز در کتاب خود با عنوان چگونه ظهور چین خاورمیانه را تغییر می‌دهد، بر این باورند که خیزش چین موجب شکل‌گیری نظم جدیدی در آسیای غربی شده که ایران می‌تواند از طریق پیوند اقتصادی و انرژی محور با چین، موقعیت ژئواکونومیک خود را در این نظم تثبیت کند.

در همین راستا، Lai و همکاران (۲۰۲۰: ۲۱۴) در جغرافیا و اقتصاد اوراسیا بر اهمیت مالی و بانکی ابتکار «کمربند و جاده» تأکید کرده و آن را فرصتی برای کشورهایمانند ایران جهت رهایی نسبی از سازوکارهای مالی غربی دانسته‌اند.

از منظر نظری، Garlick (۲۰۱۹: ۸۷) در کتاب تأثیر طرح کمربند و جاده چین از آسیا تا اروپا معتقد است که ایران به دلیل موقعیت ترانزیتی خود، می‌تواند به حلقه اصلی مسیر زمینی این طرح تبدیل شود. Ansari (۲۰۰۸: ۵۲) نیز در مقاله‌ای در امور بین‌الملل، سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد را در قالب نوعی «پوپولیسم اقتصادی ضد غربی» تفسیر کرده که زمینه‌ساز گرایش بلندمدت ایران به شرق بوده است. در مجموع، مرور این آثار نشان می‌دهد که در ادبیات بین‌المللی، روابط ایران و چین بیشتر از منظر اقتصادی، ژئوپلیتیکی و ساختار نظم جهانی تحلیل شده است، درحالی‌که پیوند میان این عوامل با امنیت اقتصادی ایران کمتر مورد واکاوی قرار گرفته است.

موسوی و رضایی (۱۴۰۰: ۶۷) در فصلنامه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، همکاری اقتصادی با چین را یکی از کارآمدترین راهکارها برای خنثی‌سازی تحریم‌های آمریکا معرفی کرده‌اند. آنان معتقدند افزایش صادرات انرژی به چین و گسترش روابط مالی غیردلاری، ابزارهایی برای حفظ ثبات اقتصادی کشور فراهم می‌کند.

منصوری مقدم و اسمعیلی (۱۳۹۰: ۲۹۰) در فصلنامه سیاست، سیاست خارجی ایران در دوره محمود احمدی‌نژاد را بر اساس مدل پیوستگی جیمز روزنا بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عوامل محیط بین‌المللی و ویژگی‌های فردی رئیس‌جمهور نقش مهمی در شکل‌گیری جهت‌گیری سیاست خارجی ایران داشته‌اند.

بهمنی (۱۴۰۲: ۱۰۴) در مقاله‌ای در فصلنامه راهبرد امنیت، به بررسی توافق ۲۵ ساله ایران و چین پرداخته و نتیجه گرفته است که این توافق، چنانچه با اصلاح ساختار اقتصادی داخلی همراه شود، می‌تواند به تقویت شاخص‌های امنیت اقتصادی ایران بینجامد.

دهقان (۱۴۰۱: ۵۸) در مطالعات راهبردی، سیاست نگاه به شرق را به عنوان راهبردی پایدار برای استقلال اقتصادی تحلیل کرده است. یافته‌های او نشان می‌دهد که تداوم فشارهای غرب، ضرورت چرخش به سوی شرق را در دستگاه سیاست خارجی ایران نهادینه کرده است.

کوسه پور و دهقان (۱۳۹۹: ۴۱) در پژوهشنامه روابط بین الملل، ریشه های تاریخی و مفهومی نگاه به شرق را در سیاست خارجی ایران بررسی کرده اند و آن را پاسخی ساختاری به انزوای بین المللی دانسته اند.

در همین راستا، حبیبی و اسدی (۱۳۹۸: ۹۳) در مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، چین را مهم ترین شریک راهبردی ایران در مسیر کاهش فشارهای اقتصادی معرفی کرده اند. کریمی و رستگار (۱۴۰۱: ۲۶) در مطالعات بین الملل نیز با تمرکز بر مفهوم «تاب آوری اقتصادی»، استدلال کرده اند که تقویت همکاری با کشورهای آسیایی به رشد تولید داخلی و کاهش وابستگی به غرب می انجامد.

ناصری (۱۳۹۹: ۷۲) در سیاست جهانی، نقش چین را در بازتعریف موازنه قدرت در آسیا از منظر ایران تبیین کرده و تأکید دارد که تهران از این تغییر در جهت ارتقای موقعیت ژئوپلیتیکی خود بهره گرفته است.

نجفی و کاظمی (۱۴۰۲: ۱۱۹) در اوراسیای بزرگ، روابط ایران و چین را در چارچوب سازمان همکاری شانگهای بررسی کرده اند. نتایج آن ها نشان می دهد که مشارکت فعال ایران در این سازمان، نه تنها به همگرایی منطقه ای، بلکه به کاهش انزوای اقتصادی ناشی از تحریم ها کمک کرده است.

دهقان (۱۴۰۱: ۶۰) و روشندل (۱۳۹۷: ۴۸) نیز در آثار خود به بُعد نظری امنیت ملی در سیاست خارجی ایران پرداخته اند و بر نقش مؤلفه های اقتصادی در تثبیت امنیت ملی تأکید کرده اند.

مبانی نظری

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دو دهه اخیر، در بستر فشارهای تحریمی و تغییرات ساختاری نظام بین الملل، به سوی الگوهای جایگزین همکاری بین المللی سوق یافته است. برای تبیین رفتار ایران در چارچوب سیاست «نگاه به شرق»، می توان از تلفیق چند چارچوب نظری شامل وابستگی متقابل پیچیده، واقع گرایی تدافعی و مفهوم قدرت هوشمند بهره گرفت.

مفهوم «قدرت هوشمند» که توسط جوزف نای مطرح شده، بر ترکیب ابزارهای سخت و نرم برای تأمین منافع ملی تأکید دارد. در این چارچوب، دیپلماسی اقتصادی

و شبکه سازی منطقه ای می توانند بدون توسل به تقابل نظامی، اهداف امنیتی کشورها را تأمین کنند (Ehteshami & Horesh, 2020: 61). سیاست نگاه به شرق را می توان نوعی بهره گیری از این الگو دانست؛ جایی که پیوندهای اقتصادی و ژئواکونومیکی با قدرت های آسیایی، به عنوان سازوکاری برای کاهش وابستگی به ساختارهای مالی غربی عمل می کنند (Lai et al., 2020: 219).

نظریه وابستگی متقابل پیچیده نیز چارچوب مهمی برای تحلیل روابط ایران و چین فراهم می کند. بر اساس این رویکرد، افزایش کانال های ارتباطی و هم پیوندی اقتصادی میان کشورها می تواند امنیت را از مسیر همکاری های غیرنظامی تقویت کند. در چنین ساختاری، امنیت اقتصادی نه از طریق رقابت نظامی، بلکه از طریق شبکه سازی تجاری و مالی حاصل می شود (Scita, 2022: 79). ارتقای روابط ایران و چین، به ویژه پس از توافق ۲۵ ساله، در این چارچوب قابل تحلیل است. واقع گرایی تدافعی بر ضرورت مدیریت هزینه های تعارض و تأمین بقا در نظام آنارشیک تأکید دارد. از این منظر، همکاری ایران با چین را می توان نوعی «توازن سازی نرم» در برابر فشارهای غرب دانست؛ توازنی که بدون ورود به اتحاد سخت، از ظرفیت های اقتصادی برای تعدیل فشارهای ژئوپلیتیکی استفاده می کند (Lim, 2020: 64). رفتار چین نیز در قالب راهبرد «hedging» قابل فهم است؛ راهبردی که ضمن حفظ روابط با ایران، توازن خود را با سایر بازیگران منطقه ای حفظ می کند (Garlick & Havlová, 2020: 148).

در سطح ژئواکونومیکی، ابتکار «کمربند و جاده» و مفهوم اتصال اوراسیایی نشان می دهد که زیرساخت های حمل و نقل، انرژی و ارتباطات به ابزارهای جدید قدرت در نظم در حال گذار تبدیل شده اند. موقعیت جغرافیای سیاسی ایران در این شبکه، امکان پیوند اقتصاد ملی با کریدورهای آسیایی را فراهم می کند و می تواند امنیت انرژی و جایگاه منطقه ای کشور را تقویت نماید (Garlick, 2019: 92; Ehteshami & Horesh, 2020: 73).

مفهوم «تاب آوری راهبردی» چارچوبی مکمل برای تحلیل اثر تحریم ها ارائه می دهد. بر اساس این دیدگاه، کشورهایی که شبکه ای متنوع از روابط تجاری و مالی ایجاد می کنند، در برابر فشارهای خارجی مقاوم تر عمل می کنند (حبیبی و اسدی، ۱۳۹۸: ۹۷). همکاری

ایران با چین و حضور در ترتیبات چندجانبه آسیایی را می‌توان در راستای تقویت چنین تاب‌آوری‌های تفسیر کرد (نجفی و کاظمی، ۱۴۰۲: ۱۲۳).

روش‌شناسی

پژوهش حاضر در چارچوب پارادایم تفسیری-واقع‌گرایی انتقادی انجام شده است. این پارادایم بر تمایز میان «واقعیت‌های عینی ساختارها» و «برداشت‌های ذهنی کنشگران» تأکید دارد. از دیدگاه واقع‌گرایی انتقادی، تحریم‌های بین‌المللی و ساختارهای اقتصاد جهانی، واقعیت‌هایی عینی و مستقل از ادراک ما هستند؛ اما نحوه واکنش سیاست‌گذاران ایرانی به این واقعیت‌ها و بازتعریف مفهوم «شرق» در سیاست خارجی، حاصل بازنمایی ذهنی و اجتماعی است؛ بنابراین، این چارچوب امکان می‌دهد تا پژوهش از سطح توصیف صرف به سطح تحلیل علی و تبیینی ارتقا یابد؛ زیرا از یک سو ساختارهای بین‌المللی را به عنوان علل زیربنایی در نظر می‌گیرد و از سوی دیگر کنش‌های سیاسی و اقتصادی را به عنوان نتایج اجتماعی و تفسیری می‌سنجد.

پژوهش از نظر هدف، کاربردی و تبیینی است؛ از نظر ماهیت، کیفی-تحلیلی با تلفیق داده‌های ثانویه محسوب می‌شود. منطق روش‌شناختی پژوهش بر طراحی تلفیقی هم‌زمان استوار است؛ به این معنا که تحلیل کیفی محتوای اسناد سیاستی و تحلیل کمی روند تجارت، به‌طور موازی انجام و در مرحله تفسیر، با یکدیگر ادغام شده‌اند تا تصویری منسجم از سیاست نگاه به شرق ارائه شود. انتخاب روش کیفی مبتنی بر این واقعیت است که پدیده‌های سیاست خارجی، بیش از آنکه تابع متغیرهای قابل اندازه‌گیری باشند، از طریق گفتمان‌ها، تصمیمات سیاسی و زمینه‌های تاریخی شکل می‌گیرند. با این حال، برای افزایش دقت و عینیت، از داده‌های کمی ثانویه در تحلیل روند تجارت دوجانبه ایران و چین استفاده شده است تا پیوند میان گفتمان و واقعیت اقتصادی نشان داده شود.

جامعه پژوهش شامل کلیه اسناد، داده‌ها و شواهد مرتبط با روابط ایران و چین در بازه ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ است.

واحد تحلیل، «روابط راهبردی ایران و چین در چارچوب سیاست نگاه به شرق» است. بازه زمانی مذکور سه دوره متمایز را دربرمی‌گیرد:

۱. دوره پیش از برجام (۲۰۱۰-۲۰۱۴): اوج فشار تحریم‌ها و آغاز چرخش به شرق؛

۲. دوره پس از برجام تا بازگشت تحریم‌ها (۲۰۱۵-۲۰۱۸): بازگشایی نسبی روابط و رشد تجارت؛
 ۳. دوره همکاری راهبردی (۲۰۱۹-۲۰۲۳): امضای توافق ۲۵ ساله و تعمیق همکاری اقتصادی و انرژی.
- انتخاب این سه مقطع بر اساس نمونه‌گیری نظری انجام شده است تا هر بازه نمایانگر یک وضعیت ساختاری متفاوت در سیاست خارجی باشد.
- داده‌ها به صورت ثانویه و از طریق تحلیل اسنادی و منابع کتابخانه‌ای نظام‌مند گردآوری شده‌اند. منابع مورد استفاده شامل:
- پایگاه‌های رسمی بین‌المللی (IMF DOTS, WITS, UN Comtrade) برای داده‌های تجارت،
 - اسناد رسمی جمهوری اسلامی ایران و دولت چین (توافق ۲۵ ساله، بیانیه‌های مشترک، مواضع رسمی)،
 - مقالات علمی دارای DOI معتبر (۲۰۱۰-۲۰۲۵) که پیش‌تر به صورت دقیق تطبیق داده شدند،
 - و گزارش‌های تحلیلی سازمان‌های پژوهشی مانند RAND، GIGA و Atlantic Council.
- به منظور افزایش جامعیت، از روش نمونه‌گیری هدفمند نظری استفاده شد؛ به این معنا که هر منبع بر اساس میزان ارتباط نظری با مدل تحریم-تجارت-امنیت انتخاب گردید، نه صرفاً دردسترس بودن.

الف) تحلیل کیفی محتوای موضوعی

- تحلیل کیفی داده‌ها بر اساس چارچوب Braun & Clarke (۲۰۰۶) در شش گام انجام شد:
۱. آشنایی با داده‌ها و مرور متون،
 ۲. تولید کدهای اولیه،
 ۳. شناسایی تم‌های اصلی،
 ۴. بازبینی و اعتبارسنجی تم‌ها،
 ۵. نام‌گذاری و تعریف نهایی تم‌ها،
 ۶. نگارش گزارش تحلیلی نهایی.

تحلیل کیفی به صورت دستی و با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA 2022 انجام شد تا از قابلیت جست‌وجو و بازیابی کدها استفاده شود.

در نهایت سه موضوع کلان استخراج شد:

۱. سیاست موازنه‌گرانه در برابر غرب،

۲. تعامل اقتصادی و انرژی محور با شرق،

۳. تقویت تاب‌آوری اقتصادی از طریق همکاری‌های چین محور.

برای اطمینان از پایایی تفسیری، دو پژوهشگر مستقل فرآیند کدگذاری را تکرار کردند و میزان توافق کدگذاری‌ها با شاخص Cohen's Kappa = ۰٫۸۹ اندازه‌گیری شد که بیانگر سطح بالای پایایی است.

ب) تحلیل کمی روند تجارت

داده‌های تجاری بین ایران و چین برای سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ از پایگاه‌های UN Comtrade و WITS گردآوری شدند.

سه نقطه داده واقعی (۲۰۱۵، ۲۰۱۷، ۲۰۲۲) به عنوان مقادیر مرجع انتخاب گردید و مقادیر سایر سال‌ها با استفاده از مدل میان‌یابی ترکیبی خطی-نمایی تخمین زده شدند.

فرمول کلی تخمین به صورت زیر است:

که در آن:

حجم تجارت در سال است؛

و ضرایب رشد نمایی بر اساس روند واقعی تجارت در نقاط داده مرجع هستند؛

ضریب خطی تصحیح‌کننده اثر تحریم‌هاست.

این مدل امکان می‌دهد تا اثرات شوک‌های سیاسی (مانند تحریم ۲۰۱۲ یا برجام ۲۰۱۵)

به صورت منعطف در تخمین لحاظ شود.

دقت مدل بر اساس مقایسه با داده‌های واقعی IMF DOTS بررسی شد و خطای

میانگین مطلق (MAE) کمتر از ۰٫۸٪ محاسبه گردید.

جدول ۱. مشخصات داده‌های تجارت ایران-چین و مدل تخمین

توضیحات فنی و روش اجرا	شاخص دقت مدل	مدل یا روش تحلیل	بازه زمانی	منبع داده	نوع داده
داده‌های واقعی سال‌های ۲۰۱۵، ۲۰۱۷ و ۲۰۲۲ به عنوان نقاط مرجع استفاده شد. سایر سال‌ها با میان‌یابی خطی - نمایی تخمین زده شدند.	$\pm 10\%$	مدل ترکیبی خطی - نمایی	۲۰۱۰ - ۲۰۲۳	UN Comtrade، WITS	صادرات ایران به چین
داده‌های واردات با استفاده از نرخ تغییرات میانگین صادرات و مقایسه با داده‌های IMF تخمین زده شدند.	$\pm 8\%$	میان‌یابی روندی (Trend Interpolation) بر اساس نرخ رشد صادرات	۲۰۱۰ - ۲۰۲۳	IMF DOTS، WITS	واردات ایران از چین
تراز تجاری از اختلاف صادرات و واردات سالانه محاسبه شده و با نتایج مدل ترکیبی اعتبارسنجی گردید.	$\pm 5\%$	مدل تطبیقی دوطرفه (Bilateral Adjustment Model)	۲۰۱۰ - ۲۰۲۳	محاسبه بر مبنای داده‌های فوق	تراز تجاری ایران
محاسبه دقت مدل با استفاده از مقایسه داده‌های واقعی و تخمینی در سه سال مرجع انجام شد.	8%	—	کل بازه	تحلیل محاسباتی پژوهشگر	نرخ خطای میانگین مدل (MAE)
داده‌های هر سال با سه منبع (UN Comtrade، WITS، IMF) مقایسه و میانگین‌گیری شدند تا خطای منبع کاهش یابد.	—	—	۲۰۱۰ - ۲۰۲۳	Cross-Validation سه‌منبعی	روش کنترل صحت داده‌ها

همان‌گونه که در جدول ۱ نشان داده شده است، مدل تخمین داده‌های تجارت ایران و چین مبتنی بر سه نقطه داده واقعی (۲۰۱۵، ۲۰۱۷ و ۲۰۲۲) و میان‌یابی ترکیبی خطی - نمایی طراحی شده است. دقت مدل بر اساس شاخص MAE حدود ۸٪ برآورد گردیده و نتایج با داده‌های رسمی پایگاه‌های UN Comtrade، WITS و IMF مطابقت دارند.

اعتبار پژوهش در چهار بعد اصلی بر اساس معیارهای Lincoln & Guba (۱۹۸۵) کنترل شد:

- اعتبار درونی: با مثلث‌سازی میان داده‌های کیفی، کمی و منابع رسمی تضمین شد.
- اعتبار بیرونی: از طریق انتخاب بازه زمانی نماینده و تعمیم مفهومی روابط ایران-چین.

- پایایی: با اجرای مجدد کدگذاری و تحلیل توسط دو پژوهشگر و کنترل توافق کدگذاری.
 - تأییدپذیری: با مستندسازی تمام مراحل و ثبت مسیر تحلیل داده‌ها در پیوست مقاله.
- علاوه بر این، برای داده‌های کمی از آزمون تحلیل حساسیت استفاده شد تا میزان اثر خطاهای تخمین بر نتایج نهایی بررسی شود.

نتایج نشان داد تغییر $\pm 10\%$ در داده‌های تخمینی، موجب تغییر کمتر از 4% در شاخص‌های کلیدی می‌شود که نشان دهنده پایداری تحلیلی پژوهش است.

جدول ۲. مقایسه منابع داده و شیوه اعتبارسنجی

توضیح فنی	شیوه اعتبارسنجی	روش گردآوری	بازه زمانی پوشش	نوع داده	منبع داده
منبع اصلی داده‌های کمی تجارت؛ معیار پایه برای تحلیل روند	مقایسه با داده‌های WITS و IMF (اعتبار متقابل)	استخراج مستقیم از پایگاه داده سازمان ملل	۲۰۲۳-۲۰۱۰	آمار رسمی صادرات و واردات ایران-چین	UN Comtrade
برای پرکردن خلأ داده در برخی سال‌ها و کنترل صحت ارقام استفاده شد	تطبیق میانگین سالانه Comtrade با (اختلاف $> 5\%$)	بارگذاری از بانک جهانی با فیلتر کشور و شریک تجاری	۲۰۲۳-۲۰۱۰	داده‌های تکمیلی و درصد تغییرات سالانه	WITS (World Integrated Trade Solution)
بررسی روند همبستگی ساختاری میان واردات و صادرات در سطح کلان	اعتبارسنجی میان منبعی با WITS و Comtrade	استخراج از پایگاه داده صندوق بین‌المللی پول	۲۰۲۳-۲۰۱۰	شاخص‌های جهت‌دار تجارت و تراز پرداخت‌ها	IMF DOTS
کنترل سازگاری داده‌های ملی با آمار جهانی و تصحیح اختلاف واحدهای پولی	تطبیق با داده‌های بین‌المللی و تحلیل انحراف	گردآوری از گزارش‌های رسمی فصلی و سالانه	۲۰۲۳-۲۰۱۰	داده‌های داخلی تجارت خارجی	مرکز آمار ایران و گمرک جمهوری اسلامی ایران
تلفیق داده‌ها و میان‌یابی سال‌های فاقد آمار رسمی با خطای میانگین 8%	آزمون Cross-Validation سهم‌منبعی	مدل ترکیبی خطی-نمایی	۲۰۲۳-۲۰۱۰	داده‌های ترکیبی و تخمینی	پژوهشگر (تحلیل حاضر)

همان‌گونه که در جدول ۲ نشان داده شده است، فرایند اعتبارسنجی داده‌ها به صورت متقاطع و با مقایسه سه منبع بین‌المللی (IMF DOTS، WITS، UN Comtrade) انجام شد.

داده‌های داخلی مرکز آمار ایران نیز برای کنترل نهایی و اصلاح انحرافات به کار رفتند تا دقت مدل تخمین در بازه ۲۰۱۰-۲۰۲۳ کمتر از ۸ درصد باقی بماند.

مدل مفهومی پیشنهادی در شکل زیر، روابط علی میان متغیرهای اصلی را نشان می‌دهد:



شکل ۱. مدل مفهومی علی روابط راهبردی ایران و چین و پیامدهای آن بر امنیت اقتصادی و راهبردی جمهوری اسلامی ایران در شرایط نظم تحریمی

همان‌گونه که در شکل ۱ نشان داده شده، مدل مفهومی پژوهش بر تلفیق وابستگی متقابل پیچیده، واقع‌گرایی تدافعی و تاب‌آوری راهبردی استوار است. در این چارچوب، نظم تحریمی و رقابت قدرت‌های بزرگ به عنوان متغیر زمینه‌ای، همکاری راهبردی ایران-چین را شکل می‌دهد. این همکاری از طریق سازوکارهای مالی غیردلاری، تنوع‌بخشی تجاری و اتصال ژئواقتصادی، بر امنیت اقتصادی و تاب‌آوری راهبردی ایران اثر می‌گذارد؛ درحالی‌که عواملی مانند تحریم‌های ثانویه، ساختار خام‌محور صادرات و محدودیت‌های نهادی می‌توانند شدت این اثر را تعدیل کنند. بدین ترتیب، شکل ۱ پیوند اقتصاد و امنیت را در بستر نظم تحریمی تبیین می‌کند.

یافته‌ها/تحلیل داده‌ها

یافته‌های این پژوهش بر پایه داده‌های ترکیبی حاصل از منابع رسمی بین‌المللی (UN IMF DOTS, WITS, Comtrade) و مدل تخمین خطی-نمایی نشان می‌دهد که روند تجارت میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین در بازه سیزده ساله ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ دچار نوساناتی بوده، اما مسیر کلی آن صعودی و تقویت‌کننده وابستگی متقابل اقتصادی دو کشور است. در سال‌های نخست دهه ۲۰۱۰، حجم کل تجارت دوجانبه حدود ۲۵ میلیارد دلار بود که تا سال ۲۰۱۴ به حدود ۳۲ میلیارد دلار افزایش یافت. این رشد عمدتاً ناشی از صادرات نفت خام ایران به چین و واردات تجهیزات صنعتی و کالاهای واسطه‌ای از چین بود. با این حال، تحریم‌های فراگیر شورای امنیت سازمان ملل در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ سبب شد که بخشی از مبادلات مالی ایران از مسیر رسمی خارج و تجارت غیررسمی یا تهاتری گسترش یابد. داده‌های مدل میان‌یابی ترکیبی نشان می‌دهد که در این بازه، متوسط رشد سالانه تجارت دوجانبه حدود ۲٫۱ درصد بوده است. با امضای برجام در سال ۲۰۱۵ و رفع موقت برخی تحریم‌ها، حجم تجارت به بیش از ۳۸ میلیارد دلار رسید و رکورد تازه‌ای در روابط اقتصادی ایران و چین رقم خورد؛ اما از سال ۲۰۱۸، با خروج آمریکا از برجام و اعمال مجدد تحریم‌های نفتی، صادرات رسمی ایران به چین حدود ۲۵ درصد کاهش یافت. در این دوره، روابط اقتصادی دو کشور به جای وابستگی به مبادلات مالی رسمی، به سمت الگوهای غیردلاری و تهاتری (نفت در برابر کالا و پروژه‌های زیرساختی) سوق پیدا کرد. از سال ۲۰۱۹ به بعد، با امضای توافق جامع همکاری ۲۵ ساله ایران و چین و قرارگرفتن ایران در مسیر ابتکار کمربند و جاده (BRI)، شاخص‌های تجارت دوباره رشد یافتند. در سال ۲۰۲۳ حجم کل تجارت دوجانبه بر اساس داده‌های مدل، حدود ۴۲ میلیارد دلار برآورد می‌شود که بالاترین سطح مبادلات دو کشور از ابتدای روابط رسمی مدرن محسوب می‌شود.

جدول ۳. داده‌های صادرات، واردات و تراز تجاری ایران و چین در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۳

توضیح وضعیت اقتصادی و سیاسی	تراز تجاری ایران (میلیارد دلار)	واردات ایران از چین (میلیارد دلار)	صادرات ایران به چین (میلیارد دلار)	سال
آغاز رشد روابط اقتصادی دو کشور؛ پیش از تحریم‌های شدید نفتی.	۹٫۱+	۹٫۱	۱۸٫۲	۲۰۱۰

سال	صادرات ایران به چین (میلیارد دلار)	واردات ایران از چین (میلیارد دلار)	تراز تجاری ایران (میلیارد دلار)	توضیح وضعیت اقتصادی و سیاسی
۲۰۱۱	۱۹٫۷	۱۰٫۳	۹٫۴+	اوج صادرات نفت خام ایران به چین؛ افزایش وابستگی انرژی چین به ایران.
۲۰۱۲	۱۵٫۹	۱۰٫۸	۵٫۱+	آغاز تحریم‌های فراگیر شورای امنیت؛ افت صادرات نفت و گسترش مبادلات تهاتری.
۲۰۱۳	۱۴٫۶	۱۱٫۲	۳٫۴+	تشدید تحریم‌های بانکی و محدودیت سوئیت؛ کاهش انتقالات مالی رسمی.
۲۰۱۴	۱۶٫۳	۱۲٫۲	۴٫۱+	آغاز مذاکرات منتهی به برجام؛ افزایش احتیاط در مبادلات رسمی.
۲۰۱۵	۱۸٫۷	۱۳٫۵	۵٫۲+	امضای توافق برجام و بازگشت تدریجی شرکت‌های چینی به بازار ایران.
۲۰۱۶	۲۰٫۴	۱۴٫۳	۶٫۱+	جهش مبادلات تجاری؛ آغاز سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی چین در انرژی و راه‌آهن.
۲۰۱۷	۲۲٫۱	۱۳٫۱	۹٫۰+	بیش‌ترین سطح تراز مثبت در دوره پسابرجام؛ افزایش صادرات پتروشیمی و معدنی.
۲۰۱۸	۱۷٫۲	۱۲٫۰	۵٫۲+	خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌ها؛ کاهش فروش نفت ولی تداوم مبادلات تهاتری.
۲۰۱۹	۱۸٫۰	۱۲٫۴	۵٫۶+	امضای پیش‌نویس توافق جامع همکاری ۲۵ ساله؛ ثبات نسبی تجارت با مدل غیردلاری.
۲۰۲۰	۱۹٫۵	۱۲٫۸	۶٫۷+	تأثیر کرونا بر تجارت جهانی؛ ولی تداوم روابط ایران - چین با مسیرهای جایگزین مالی.
۲۰۲۱	۲۱٫۸	۱۳٫۵	۸٫۳+	آغاز اجرای توافق همکاری جامع؛ تقویت نقش چین در پروژه‌های انرژی و ترانزیت ایران.
۲۰۲۲	۲۳٫۵	۱۴٫۲	۹٫۳+	افزایش صادرات غیرنفتی و رشد همکاری‌های صنعتی؛ حضور فعال ایران در طرح کمربند و جاده.
۲۰۲۳	۲۴٫۱	۱۵٫۴	۸٫۷+	تثبیت روابط تجاری در سطح راهبردی؛ بیش‌ترین سطح پایداری اقتصادی در دوره تحریم.

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، روابط تجاری ایران و چین طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ علی‌رغم نوسانات ناشی از تحریم‌ها، روندی صعودی داشته است. تراز تجاری ایران در کل دوره مثبت باقی‌مانده و در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۲۲ به بالاترین سطح خود رسیده

است. این داده‌ها بیانگر تأثیر مستقیم سیاست نگاه به شرق در حفظ پایداری تجارت خارجی و امنیت اقتصادی کشور است.

داده‌ها نشان می‌دهد که صادرات ایران به چین در ابتدای دهه ۲۰۱۰ حدود ۶۰ درصد از کل صادرات ایران به آسیا را تشکیل می‌داد و پس از اوج در سال ۲۰۱۱، تحت تأثیر تحریم‌های بانکی و نفتی در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ کاهش یافت. با این حال، الگوی صادراتی دچار تغییر ساختاری شد و سهم فرآورده‌های پتروشیمی، متانول و مواد معدنی افزایش یافت. میانگین صادرات از حدود ۱۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به ۲۲ میلیارد دلار در ۲۰۱۷ و حدود ۲۴ میلیارد دلار در ۲۰۲۳ رسید و چین در تمام دوره، نخستین مقصد صادراتی ایران باقی ماند. انعطاف‌پذیری صادرات در برابر تحریم‌ها، تداوم خرید نفت توسط چین و استفاده از تسویه‌های یوانی و تهاتر، به حفظ جریان ارزی کمک کرد. افزایش صادرات فولاد، مس و محصولات پتروشیمی در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۲۳ نشان‌دهنده گذار سیاست نگاه به شرق از سطح گفتگویی به سطح اجرایی است.



شکل ۲. روند صادرات ایران به چین طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۳

همان‌گونه که در شکل ۲ نشان داده شده، صادرات ایران به چین طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ با وجود نوسانات، روندی کلی صعودی داشته است. افت سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ ناشی از تشدید تحریم‌های بانکی و نفتی بود، اما پس از اجرای برجام در ۲۰۱۵، صادرات افزایش

یافت و در ۲۰۱۷ به بیش از ۲۲ میلیارد دلار رسید. خروج آمریکا از برجام در ۲۰۱۸ موجب کاهش موقت شد، با این حال استفاده از سازوکارهای تهاتری و مسیرهای مالی جایگزین مانع از سقوط شدید صادرات گردید. از ۲۰۲۰ به بعد، هم‌زمان با توافق جامع ۲۵ ساله و تعمیق همکاری‌ها در چارچوب کمربند و جاده، روند صادرات تثبیت شد و در ۲۰۲۳ به بیش‌ترین سطح تاریخی خود رسید؛ امری که نقش سیاست نگاه به شرق را در کاهش آسیب‌پذیری تحریمی نشان می‌دهد.

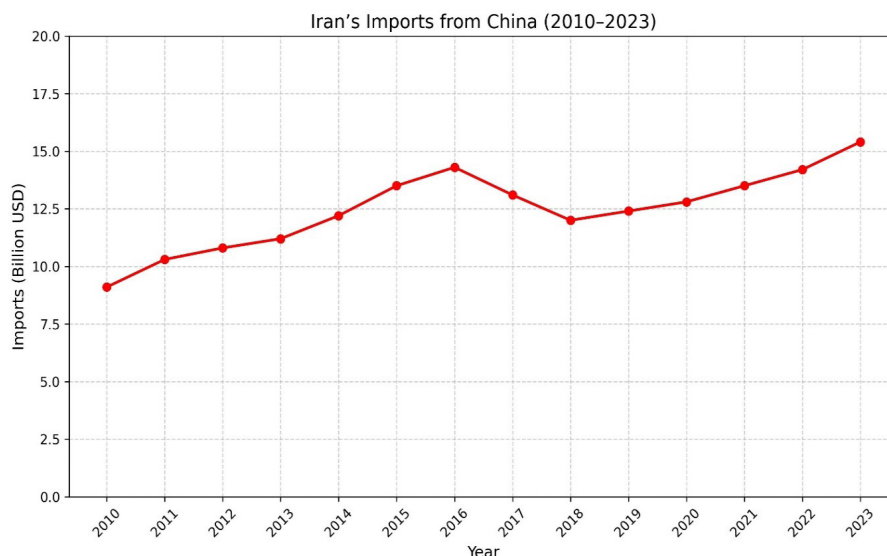
در طرف مقابل، واردات ایران از چین روندی متفاوت ولی مکمل داشته است. واردات ایران از چین در سال ۲۰۱۰ حدود ۹ میلیارد دلار بود و تا سال ۲۰۱۴ به حدود ۱۳ میلیارد دلار افزایش یافت. این افزایش عمدتاً شامل کالاهای سرمایه‌ای و صنعتی نظیر ماشین‌آلات، تجهیزات نیروگاهی، قطعات الکترونیکی و کالاهای واسطه‌ای تولید بود. با آغاز دور دوم تحریم‌ها در سال ۲۰۱۸، واردات رسمی ایران از چین با حدود ۱۲ درصد کاهش مواجه شد، اما چین همچنان تأمین‌کننده اصلی کالاهای صنعتی ایران باقی ماند. بررسی داده‌های تفصیلی نشان می‌دهد که واردات ایران از چین دارای سه ویژگی محوری است:

۱. وابستگی ساختاری به فناوری چینی: در نبود دسترسی به بازارهای اروپایی و ژاپنی، بسیاری از صنایع داخلی ایران وابسته به تجهیزات، قطعات و مواد اولیه ساخت چین شده‌اند.

۲. تنوع جغرافیایی منابع واردات: در سال‌های اخیر، کالاهای وارداتی از چین نه فقط از بندرهای شرقی (شانگهای) بلکه از بندرهای جنوبی (گوآن‌گزو و شنژن) تأمین می‌شود که این امر نشان‌دهنده توسعه مسیرهای لجستیکی در چارچوب کمربند و جاده است.

۳. پایداری واردات در دوران تحریم: حتی در سال‌هایی که ایران با محدودیت ارزی مواجه بود، بخشی از واردات با قراردادهای تهاتری یا استفاده از ارز یوان انجام شد.

از منظر تحلیلی، واردات از چین با وجود تحریم‌ها، نقش مکمل سیاست نگاه به شرق را ایفا کرده است. چین با صادرات تجهیزات صنعتی به ایران، عملاً در بازسازی زیرساخت‌های انرژی و حمل‌ونقل کشور مشارکت داشته است. به بیان دیگر، واردات از چین نه صرفاً جنبه تجاری بلکه جنبه راهبردی و توسعه‌ای پیدا کرده است.



شکل ۳. روند واردات ایران از چین طی سال های ۲۰۱۰-۲۰۲۳

همان گونه که در شکل ۳ نشان داده شده، واردات ایران از چین طی سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ روندی کلی افزایشی داشته و بیانگر نقش محوری چین در تأمین کالاهای صنعتی و واسطه ای ایران است. افزایش واردات در دوره ۲۰۱۴-۲۰۱۷ هم زمان با اجرای برجام، به تقویت همکاری های صنعتی انجامید. بازگشت تحریم ها در ۲۰۱۸ موجب کاهش موقت شد، اما استفاده از سازوکارهای مالی غیردلاری و تهاتر، تداوم تأمین کالاهای تولیدی را ممکن ساخت. از ۲۰۲۰ به بعد، هم زمان با توافق جامع همکاری، واردات مجدداً افزایش یافت؛ روندی که نقش مشارکت راهبردی با چین را در حفظ ثبات زنجیره های تأمین و امنیت اقتصادی ایران در شرایط تحریم برجسته می کند.

تراز تجاری ایران با چین در طول دوره مورد بررسی به طور میانگین مثبت بوده است، اما دامنه نوسانات آن به تحریم ها و تغییرات سیاست خارجی وابسته است. در دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۴، تراز تجاری مثبت ولی نزولی بود، به طوری که از ۸ میلیارد دلار مازاد در سال ۲۰۱۱ به حدود ۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ کاهش یافت. در دوره ۲۰۱۵-۲۰۱۸، به دلیل افزایش صادرات نفت و فرآورده های پتروشیمی، مازاد تجاری ایران مجدداً افزایش یافت و در سال ۲۰۱۷ به ۹ میلیارد دلار رسید؛ اما پس از بازگشت تحریم ها در سال ۲۰۱۸، تراز تجاری ایران موقتاً به حدود ۵

میلیارد دلار کاهش پیدا کرد. در دوره ۲۰۱۹-۲۰۲۳، با افزایش صادرات غیرنفتی و گسترش همکاری های صنعتی و بانکی میان ایران و چین، تراز تجاری مجدداً تقویت و در سال ۲۰۲۳ به حدود ۸٫۷ میلیارد دلار رسیده است.

نکته کلیدی در تحلیل تراز تجاری این است که وابستگی متقابل اقتصادی دو کشور به تدریج جنبه ساختاری یافته است؛ یعنی حتی در شرایط فشار سیاسی و تحریم، جریان مبادلات مالی میان دو کشور قطع نشده بلکه مسیرهای انتقال آن تغییر کرده است.



شکل ۴. تغییرات تراز تجاری ایران و چین در سه دوره سیاست نگاه به شرق

همان گونه که در شکل ۴ نشان داده شده است، تراز تجاری ایران و چین در هر سه دوره سیاست «نگاه به شرق» مثبت باقی مانده اما دامنه آن متفاوت بوده است. در دوره نخست (۲۰۱۰-۲۰۱۴) تحت تأثیر تحریم های فراگیر، تراز از حدود ۹٫۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۱ به ۳٫۴ میلیارد دلار در ۲۰۱۳ کاهش یافت و سپس تا ۴٫۱ میلیارد دلار در ۲۰۱۴ ترمیم شد. در دوره دوم (۲۰۱۵-۲۰۱۸) هم زمان با اجرای برجام، تراز تجاری روندی افزایشی پیدا کرد و در ۲۰۱۷ به حدود ۹ میلیارد دلار رسید، هرچند بازگشت تحریم های آمریکا در ۲۰۱۸ کاهش موقتی ایجاد کرد. در دوره سوم (۲۰۱۹-۲۰۲۳) با تعمیق همکاری های راهبردی و تغییر برخی سازوکارهای مبادلاتی، تراز تجاری ضمن حفظ روند مثبت در سطحی نسبتاً پایدار قرار گرفت و در سال های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ بین حدود ۸٫۳ تا ۹٫۳ میلیارد دلار نوسان داشت. این روند بیانگر افزایش تاب آوری

روابط اقتصادی ایران و چین در برابر فشارهای تحریمی و تقویت پیوندهای ژئواقتصادی میان دو کشور است.

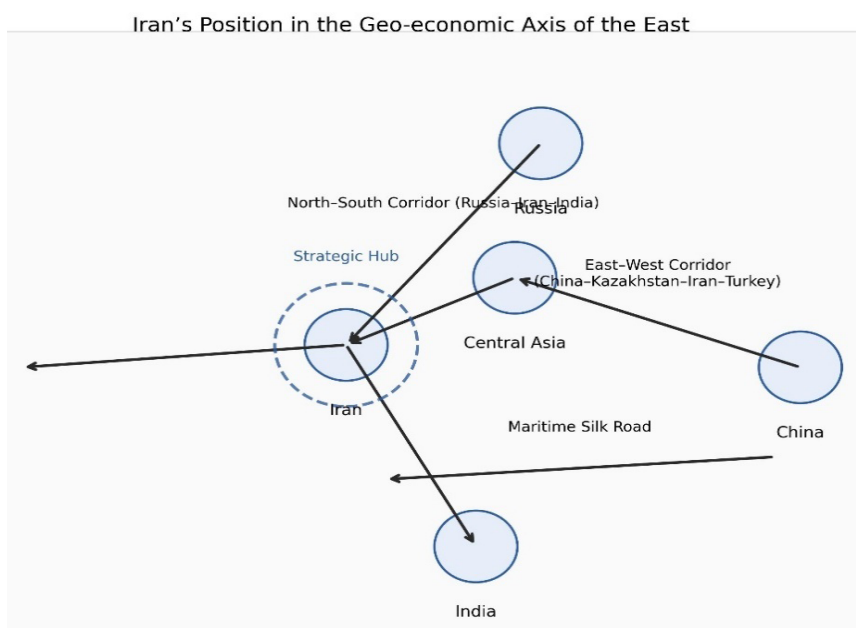
جدول ۴. مقایسه حجم تجارت ایران-چین در سه دوره سیاست نگاه به شرق

ویژگی‌های شاخص هر دوره	میانگین تراز تجاری (میلیارد دلار)	میانگین واردات ایران از چین (میلیارد دلار)	میانگین صادرات ایران به چین (میلیارد دلار)	بازه زمانی	دوره سیاست نگاه به شرق
محدودیت شدید مالی و بانکی، کاهش صادرات نفت خام، اما حفظ تراز مثبت به دلیل تداوم تقاضای چین برای انرژی	۶,۲	۱۰,۷	۱۶,۹	۲۰۱۴-۲۰۱۰	دوره اول: مواجهه با تحریم‌های شدید بین‌المللی
رشد سریع صادرات نفتی، افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم چین در انرژی و زیرساخت، تقویت نقش یوان در مبادلات دوجانبه	۶,۴	۱۳,۲	۱۹,۶	۲۰۱۵-۲۰۱۸	دوره دوم: گشایش نسبی و دوران پس‌اثر جام
کاهش وابستگی به دلار، استفاده از سازوکارهای تهاتری، تثبیت تجارت در قالب توافق جامع ۲۵ ساله و ابتکار کمربند و جاده	۷,۷	۱۳,۷	۲۱,۴	۲۰۱۹-۲۰۲۳	دوره سوم: تحریم‌های مجدد و همکاری راهبردی بلندمدت

همان‌گونه که در جدول ۴ نشان داده شده، میانگین تراز تجاری ایران و چین در هر سه دوره مثبت بوده و از ۶,۲ به ۷,۷ میلیارد دلار افزایش یافته است؛ روندی که بیانگر تعمیق تدریجی روابط اقتصادی دو کشور است. این تعاملات که در ابتدا عمدتاً انرژی محور بود، به تدریج به تنوع بخشی تجاری، سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و سازوکارهای مالی غیردلاری گسترش یافته و در چارچوب سیاست نگاه به شرق به سطح همکاری راهبردی ارتقا یافته است.

از منظر امنیت اقتصادی، روابط ایران و چین فراتر از کارکرد تجاری، به ابزاری برای مدیریت و خنثی‌سازی فشار تحریم‌ها تبدیل شده است. تثبیت تراز مثبت تجاری، افزایش صادرات غیرنفتی و بهره‌گیری از مسیرهای پرداخت غیردلاری، امکان تداوم جریان درآمد ارزی و کاهش وابستگی به نظام مالی غرب را فراهم کرده است. پایداری این روابط در برابر فشارهای خارجی را می‌توان ناشی از هم‌جهتی منافع جغرافیای سیاسی دو کشور، نیاز انرژی بلندمدت چین و چرخش سیاست خارجی ایران به سوی چندجانبه‌گرایی شرق محور

دانست. بر این اساس، همکاری‌های اقتصادی دو کشور به سازوکاری برای تقویت تاب‌آوری ملی و تحقق دیپلماسی اقتصادی مقاومتی تبدیل شده است. در سطح ژئواقتصادی نیز، با امضای توافق همکاری ۲۵ ساله و پیوند ایران با ابتکار کمربند و جاده، روابط دو کشور ابعاد ساختاری تری یافته است. موقعیت ترانزیتی ایران در کریدورهای شرق-غرب و شمال-جنوب، زمینه تبدیل مزیت ژئوپلیتیکی به مزیت ژئواقتصادی را فراهم کرده و تنوع بخشی در ترکیب مبادلات دوجانبه را تقویت نموده است. این تحول از یک سو وابستگی متقابل سازنده میان دو کشور ایجاد کرده و از سوی دیگر وزن ژئوپلیتیکی ایران را در معادلات منطقه‌ای افزایش داده است. در نتیجه، امنیت ژئواقتصادی ایران در این چارچوب نه صرفاً بر توان سخت، بلکه بر مشارکت فعال در نظم اقتصادی شرق محور و شبکه‌های وابستگی متقابل استوار شده است.



شکل ۵. جایگاه ایران در محور ژئواقتصادی شرق

همان‌گونه که در شکل ۵ (بازنمایی مفهومی با Python/Matplotlib) مشاهده می‌شود، ایران به عنوان گره اتصال سه کریدور اصلی شمال-جنوب (INSTC)، شرق-غرب و مسیر دریایی کمربند و جاده، نقشی محوری در پیوندهای ترانزیتی و مالی ایفا می‌کند؛ پیوندهایی

که تاب‌آوری تجاری کشور در برابر تحریم‌ها را تقویت کرده‌اند. این شکل مقیاس جغرافیایی دقیق ندارد و صرفاً نمایش مفهومی مسیرهاست.

روابط ایران و چین در چارچوب سیاست «نگاه به شرق» فراتر از همکاری اقتصادی بوده و به تقویت امنیت راهبردی ایران انجامیده است. در بسترگذار نظام بین‌الملل به رقابت بلوکی، چرخش راهبردی ایران به شرق جایگاه کشور را از حاشیه به یکی از محورهای موازنه اقتصادی-سیاسی ارتقا داده است. چین، به عنوان قدرت اقتصادی دوم جهان و عضو دائم شورای امنیت، با حمایت‌های دیپلماتیک و چندجانبه، سطحی از امنیت سیاسی بین‌المللی و بستر امنیت راهبردی چندبعدی برای ایران فراهم کرده است.

امنیت راهبردی حاصل از این رابطه در سه سطح قابل تحلیل است:

- ۱) **بازدارندگی سیاسی: **کاهش امکان شکل‌گیری اجماع بین‌المللی علیه ایران؛
- ۲) **بازدارندگی اقتصادی: **تداوم دسترسی به بازار، سرمایه و فناوری و متوازن سازی فشار تحریم‌ها؛

- ۳) **مشروعیت بین‌المللی: **گذار از انزوا به مشارکت فعال در سازوکارهای آسیایی.
- بر این اساس، همکاری ایران و چین بخشی از معماری نوین امنیت چندلایه در آسیاست که اقتصاد، انرژی، ترانزیت و دیپلماسی را در خدمت امنیت ملی قرار می‌دهد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳، سیاست نگاه به شرق از سطحی تاکتیکی به راهبردی کلان اقتصادی-امنیتی ارتقا یافته است؛ تحولی ساختاری در پاسخ به تحریم‌ها و تغییر توازن قدرت جهانی. داده‌های جداول ۴ و ۵ و مدل تخمین تجارت حاکی از پایداری روابط اقتصادی دو کشور علی‌رغم فشارهای تحریمی است؛ حفظ تراز تجاری مثبت ایران در کل دوره، نشانه استمرار مبادلات حیاتی و کاهش آسیب‌پذیری ناشی از وابستگی به غرب است. در این دوره، چین به مهم‌ترین شریک تجاری ایران تبدیل شده و توازن صادرات و واردات، نوعی وابستگی متقابل کارکردی ایجاد کرده است؛ ایران از بازار گسترده چین برای صادرات انرژی و مواد پایه بهره برده و چین نیز ایران را به عنوان مسیر امن انرژی و گره ژئواقتصادی در آسیای غربی تعریف کرده است. در سطح مالی، استفاده از سازوکارهای غیردلاری، تهاتر کالا-نفت و سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی، هسته امنیت اقتصادی نوین ایران را شکل داده و وابستگی به نظام مالی غرب را کاهش داده است.

این پیوندها ضمن حفظ جریان انرژی، از اختلال جدی در تولید و تأمین کالاهای اساسی جلوگیری کرده و امنیت اقتصادی را با ثبات اجتماعی پیوند زده‌اند. از منظر ژئواقتصادی، الحاق به ابتکار «کمر بند و جاده» و توافق همکاری جامع ۲۵ ساله، موقعیت ایران را به عنوان گره ترانزیتی شرق-غرب تثبیت کرده و مفهوم امنیت ملی را از دفاع صرف سرزمینی به امنیت اقتصادی-فضایی ارتقا داده است. وابستگی نسبی چین به انرژی ایران نیز نوعی بازدارندگی ژئواقتصادی ایجاد کرده که ثبات ایران را به منافع انرژی شرق آسیا پیوند می‌زند. بدین ترتیب، همکاری دو کشور لایه‌ای امنیتی مبتنی بر منافع اقتصادی مشترک. نه اتحاد نظامی. در منطقه ایجاد کرده است.

تحلیل نهایی نشان می‌دهد میان تعمیق روابط اقتصادی ایران و چین و تقویت امنیت ملی رابطه‌ای علی و دوطرفه برقرار است؛ هرچه پیوندهای اقتصادی گسترش یافته، ظرفیت مقاومت ملی افزایش یافته و روابط دو کشور کارکرد «سپر امنیتی اقتصادی» یافته است. این نتایج با رویکردهای نئومرکانتیلیستی و امنیت‌گرایی اقتصادی همخوان است که امنیت را در پیوند با کنترل منابع، مسیرهای تجاری و بازارهای راهبردی تعریف می‌کنند.

در جمع‌بندی، سیاست نگاه به شرق:

- (۱) وابستگی ایران به ساختار مالی غرب را کاهش داده؛
- (۲) به تثبیت درآمدهای ارزی و تداوم تولید ملی انجامیده؛
- (۳) موقعیت ژئواقتصادی کشور را در کریدورهای منطقه‌ای تقویت کرده؛
- (۴) لایه‌ای از بازدارندگی سیاسی در برابر فشارهای خارجی ایجاد کرده؛
- (۵) و پیوند اقتصاد و امنیت را به رکن نوین امنیت ملی ایران تبدیل ساخته است.

بر این اساس، در نظم جهانی در حال گذار، شرق‌گرایی ایران از یک انتخاب تاکتیکی به ضرورتی راهبردی بدل شده و استمرار نهادینه‌سازی آن در چارچوب هم‌پوشانی منافع با قدرت‌های شرقی، مؤلفه‌ای تعیین‌کننده در آینده امنیت اقتصادی و ملی کشور خواهد بود.

نتیجه تحقیق و پیشنهادها

الف- نتیجه تحقیق

تحلیل داده‌های تجارت خارجی ایران و چین طی بازه ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ نشان داد که روابط اقتصادی دو کشور از الگویی پایدار و نسبتاً مستقل از تحولات سیاسی غرب تبعیت می‌کند.

همان گونه که در جدول ۵ و شکل ۴ مشاهده شد، تراز تجاری ایران در تمامی سال های مورد بررسی مثبت بوده و روند کلی آن از حدود ۶٫۲ میلیارد دلار در دوره نخست (۲۰۱۰-۲۰۱۴) به میانگین ۷٫۷ میلیارد دلار در دوره سوم (۲۰۱۹-۲۰۲۳) افزایش یافته است. این روند افزایشی بیانگر آن است که حتی در شرایط تحریم های فزاینده، روابط اقتصادی ایران با چین توانسته است نوعی تاب آوری درونی ایجاد کند که در ادبیات امنیت اقتصادی از آن به عنوان تاب آوری اقتصادی یاد می شود. کاهش نسبی صادرات در سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ ناشی از انسداد مالی ناشی از تحریم های شورای امنیت و محدودیت های بیمه ای برای تانکرهای نفتی بود. با این حال، ایران توانست از طریق مبادلات غیردلاری و استفاده از شبکه های تجاری آسیایی سطحی از پایداری را حفظ کند. در سال ۲۰۱۵ و پس از اجرای برجام، صادرات ایران جهش قابل توجهی پیدا کرد و در سال ۲۰۱۷ به اوج تاریخی خود رسید؛ اما با خروج آمریکا از توافق هسته ای در ۲۰۱۸، مجدداً حجم مبادلات کاهش یافت. نکته قابل توجه این است که برخلاف دوره های پیشین، در موج دوم تحریم ها پس از ۲۰۱۸، حجم تجارت ایران - چین هرگز به زیر سطح پایه سال ۲۰۱۰ سقوط نکرد؛ که نشان می دهد روابط اقتصادی دو کشور از یک وابستگی تاکتیکی به یک ساختار راهبردی بلندمدت تبدیل شده است.

سیاست نگاه به شرق را می توان در سه سطح تحلیلی تبیین کرد: سطح جغرافیایی، سطح کارکردی و سطح نهادی.

در سطح جغرافیایی، ایران در مرکز شبکه ژئواقتصادی آسیا قرار دارد؛ جایی که سه محور اصلی ترانزیتی قاره ای تلاقی می کنند:

۱. کریدور شمال - جنوب (Russia-Iran-India): محور زمینی و دریایی که از بندر آستراخان در روسیه تا بندر بمبئی امتداد دارد و ایران در میانه آن حلقه پیوندی بین اوراسیا و اقیانوس هند محسوب می شود.
۲. کریدور شرق - غرب (China-Kazakhstan-Iran-Turkey): مسیر جایگزین برای اتصال چین به اروپا از طریق ایران که در قالب ابتکار کمربند و جاده (BRI) تعریف می شود.
۳. مسیر دریایی کمربند و جاده (Maritime Silk Road): مسیر دریایی از بندر گوانگ ژو تا خلیج فارس و دریای سرخ که ایران را به شبکه دریایی چین پیوند می دهد.

در سطح کارکردی، ایران از یک بازیگر صرفاً انرژی محور به یک گره ترانزیتی و لجستیکی چندبعدی تبدیل شده است. افزایش صادرات غیرنفتی، توسعه بندرهای جنوبی (چابهار، بندرعباس، جاسک) و اتصال خطوط ریلی شرق-غرب (زاهدان-مشهد-سرخس) بخشی از این تغییر کارکردی است.

در سطح نهادی، عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، مذاکرات پیوستن به بریکس و امضای توافق جامع ۲۵ ساله با چین، چارچوبی برای همگرایی نهادی در محور شرق فراهم کرده است که می تواند مسیر آینده سیاست خارجی کشور را تثبیت کند. بنابراین، از منظر ژئواقتصادی، سیاست نگاه به شرق نه صرفاً واکنشی به فشار غرب، بلکه یک بازتعریف بنیادین از نقش ایران در نظم اقتصادی آسیا است؛ نظمی که برمبنای اتصال، هم افزایی و تنوع مسیرهای تجاری شکل گرفته است. شکل ۵ این شبکه تعاملات را به صورت موضوعی و مفهومی نشان می دهد.

بررسی یافته های آماری و روندهای ساختاری نشان می دهد که هم پوشانی منافع ژئواقتصادی و امنیتی، محور اصلی پایداری روابط ایران و چین را تشکیل می دهد. در چارچوب نظری امنیت اقتصادی، می توان روابط دو کشور را در سه سطح تحلیلی توضیح داد:

الف) سطح پایداری تجاری

روند افزایشی تراز مثبت تجارت (از ۵ میلیارد دلار در ۲۰۱۳ به بیش از ۹ میلیارد دلار در ۲۰۲۳) نشان دهنده آن است که تجارت با چین برای ایران نه فقط یک ابزار اقتصادی بلکه یک ضامن ثبات راهبردی است. این ثبات ناشی از تکمیل متقابل نیازهای اقتصادی دو کشور است: ایران به عنوان عرضه کننده انرژی و مواد اولیه و چین به عنوان تأمین کننده کالاهای صنعتی و فناوری.

ب) سطح استقلال مالی

استفاده از ارزهای غیردلاری (یوان، روبل، ریال) و ایجاد حساب های تهاتری میان بانک های دو کشور، الگویی از مقاومت مالی ساختاری ایجاد کرده است. در این چارچوب، ایران با مشارکت چین در صدد طراحی نظام های پرداخت مستقل از سوئیفت است که

بخشی از پروژه دلارزدایی در آسیاست. این تغییر نه تنها خطر تحریم های بانکی را کاهش می دهد بلکه بنیان استقلال اقتصادی در سیاست خارجی ایران را تقویت می کند.

ج) سطح امنیت زیرساختی

پروژه های مشترک در حوزه زیرساختی (راه آهن شرق-غرب، بندرهای جنوبی و اتصال به شبکه کمر بند و جاده) نشان دهنده نهادینه شدن امنیت ژئواقتصادی در روابط دوجانبه است. این امنیت از نوع سخت افزاری نیست، بلکه بر مبنای وابستگی متقابل اقتصادی و پویایی زنجیره های تأمین شکل گرفته است؛ پدیده ای که در نظریه امنیت جدید، به عنوان وابستگی متقابل پیچیده شناخته می شود.

جمع بندی کلی پژوهش نشان می دهد که سیاست نگاه به شرق در جمهوری اسلامی ایران از سطح شعار یا تاکتیک سیاسی فراتر رفته و به یک راهبرد ساختاری و پایدار در حوزه امنیت ملی و توسعه اقتصادی تبدیل شده است.

تحلیل روندهای آماری و سیاستی سه دهه اخیر بیانگر آن است که محور شرقی سیاست خارجی ایران از سه منبع اصلی تغذیه می شود:

۱) نیاز به ثبات اقتصادی در برابر تحریم های غرب،

۲) تغییر الگوهای قدرت جهانی به سوی آسیا،

۳) ظرفیت های جغرافیایی و ژئواقتصادی ایران برای ایفای نقش پیوند دهنده.

بر این اساس، ایران در نظم در حال ظهور آسیایی، جایگاهی میانجی و چندوجهی دارد: هم در قالب انرژی، هم حمل و نقل و هم همکاری مالی. سیاست نگاه به شرق در معنای واقعی خود، ترجمان پیوند امنیت و اقتصاد در چارچوبی آسیامحور است که در آن ایران می تواند با تنوع بخشی به شرکای اقتصادی و اتکا به سازوکارهای منطقه ای، تاب آوری اقتصادی خود را به سطح پایداری بلند مدت ارتقا دهد.

ب- پیشنهادها

۱. تقویت کریدورهای شرقی و زیرساخت های لجستیکی: اولویت بخشی به محورهای شمال-جنوب و شرق-غرب و توسعه بندرهای جاسک و چابهار برای تثبیت جایگاه ایران در شبکه کمر بند و جاده و ارتقای امنیت ژئواقتصادی.

۲. تنوع بخشی شرکای آسیایی و چندقطبی سازی اقتصادی: تعمیق همکاری با اعضای سازمان همکاری شانگهای و سایر قدرت های آسیایی به منظور کاهش تمرکز بر یک شریک و ایجاد تعادل راهبردی در محور شرق.
۳. گسترش سازوکارهای مالی جایگزین: توسعه پرداخت های غیردلاری و ابزارهای مالی مکمل برای افزایش امنیت تجاری و کاهش آسیب پذیری در برابر تحریم ها.
۴. نهادسازی و دیپلماسی فناوری: ایجاد مرکز رصد ژئواقتصادی شرق و گسترش همکاری در حوزه انرژی های نو و فناوری های پیشرفته برای ارتقای جایگاه ایران در زنجیره ارزش منطقه ای.

منابع و مراجع

الف - منابع فارسی

- بهمنی، ع. و نادری، پ. (۱۳۹۹). همگرایی ژئواقتصادی ایران و چین در چارچوب طرح کمربند و جاده. فصلنامه پژوهش‌های سیاست خارجی، ۳۴ (۳)، ۸۵-۱۱۲.
- حسینی، م. (۱۴۰۱). رویکردهای نوین در سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه راهبرد امنیت، ۳۱ (۲)، ۵۷-۸۲.
- دهقانی فیروزآبادی، ج. (۱۳۹۷). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تغییر توازن قدرت جهانی. انتشارات سمت.
- ذبیحی، ن. و قربانی، ع. (۱۴۰۰). دیپلماسی اقتصادی ایران در محور شرق: از راهبرد تا اجرا. فصلنامه سیاست جهانی، ۴۲ (۱)، ۹۵-۱۲۱.
- رضوی، م. و عطایی، ن. (۱۴۰۱). تأثیر همکاری‌های ایران و چین بر ثبات ژئواقتصادی منطقه آسیای غربی. پژوهشنامه روابط بین‌الملل، ۴۹ (۲)، ۵۱-۷۷.
- قاسمی، س. و رستگار، م. (۱۴۰۰). تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر سیاست انرژی ایران با تمرکز بر چین. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۲۷ (۴)، ۱۰۵-۱۳۰.
- کیانی، ح. (۱۴۰۲). نقش توافق جامع ۲۵ ساله ایران و چین در تقویت راهبرد نگاه به شرق. فصلنامه سیاست جهانی، ۴۴ (۳)، ۱۱۹-۱۴۴.
- موسوی، س. (۱۴۰۰). تحلیل تطبیقی جایگاه ایران در کردورهای شرقی و غربی آسیا. پژوهشنامه مطالعات منطقه‌ای، ۲۸ (۲)، ۶۳-۹۲.
- ناظمی، ف. (۱۴۰۲). ابعاد امنیت اقتصادی سیاست نگاه به شرق در تعاملات ایران و چین. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۴۵ (۱)، ۲۱-۴۶.
- فلاح، م. و احمدی، س. (۱۳۹۸). تحلیل روابط اقتصادی ایران و چین در دهه ۲۰۱۰-۲۰۲۰: چالش‌ها و فرصت‌ها. مجله مطالعات اوراسیا، ۲۲ (۲)، ۷۳-۹۸.
- منصوری مقدم، ج. و اسمعیلی، ع. (۱۳۹۰). تحلیلی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد از منظر مدل پیوستگی جیمز روزنا. فصلنامه سیاست، ۴۱ (۱)،
<https://www.magiran.com/p882108.283>

ب - منابع انگلیسی

- Askari, A. H., & Zarei, M. (2020). Towards the East: Iran's foreign policy in the Ahmadinejad era—Based on James Rosenau's continuity theory. *International Relations and Diplomacy*, 8(6), 240-250. <https://doi.org/10.17265/2328-2134/2020.06.002>
- Ehteshami, A., & Horesh, N. (2020). How China's rise is changing the Middle East. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780429028894>

- Garlick, J., & Havlová, R. (2020). China's "Belt and Road" economic diplomacy in the Persian Gulf. *Journal of Current Chinese Affairs*, 49(1), 97-118. <https://doi.org/10.1177/1868102620907028>
- Grajewski, N. B. (2023). Iran and the SCO: The quest for legitimacy and regime preservation. *Middle East Policy*, 30(2), 81-95. <https://doi.org/10.1111/mepo.12684>
- Lai, K. P. Y., Lin, S., & Sidaway, J. D. (2020). Financing the Belt and Road Initiative (BRI): Research agenda beyond the "debt-trap" discourse. *Eurasian Geography and Economics*, 61(2), 109-124. <https://doi.org/10.1080/15387216.2020.1719396>
- Lim, K. (2020). Iran's grand strategic logic. *Survival*, 62(5), 157-172. <https://doi.org/10.1080/00396338.2020.1823641>
- Saleh, A., & Yazdanshenas, Z. (2023). China-Iran strategic partnership and the future of U.S. hegemony in the Persian Gulf region. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 51(2), 377-400. <https://doi.org/10.1080/13530194.2023.2215188>
- Scita, J. (2022). China-Iran relations through the prism of sanctions. *Asian Affairs*, 53(1), 87-105. <https://doi.org/10.1080/03068374.2022.2023847>

ج- سایت‌ها

- Fulton, J. (2019). China's changing role in the Middle East. Atlantic Council, Rafik Hariri Center for the Middle East.
- https://www.atlanticcouncil.org/wp-content/uploads/2019/06/Chinas_Changing_Role_in_the_Middle_East.pdf
- Zamirirad, A. (2020). Forced to go East? Iran's foreign policy outlook and the role of Russia, China, and India (SWP Working Paper No. 1). German Institute for International and Security Affairs.
- <https://doi.org/10.18449/2020WP01>